

پیش‌خوان

«میانی دینی قانون اساسی جمهوری اسلامی» در آیینه یک پژوهش

وقتی احکام شرع میثاق ملی شد

■ شاهد توحیدی

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌ود، همانگونه که از نام آن پیداست، «میانی دینی قانون اساسی جمهوری اسلامی» را بازخوانده است. این پژوهش توسط محمد ملک‌زاده انجام شده

و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. تاز نمای ناشر در معرفی این کتاب،

نکات بی‌آمه را مورد اشاره قرار داده است:

«قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازتاب طبیعی و میثاق بزرگ انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) بود که در شرایط خاص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تحت‌تأثیر عقاید و افکار و آرمان‌های انقلابی تدوین شد و به تصویب نهایی رسید. این قانون که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی به‌حق آن را بزرگ‌ترین ثمره جمهوری اسلامی نامید، پس از پیروزی شهکوندانقلاب اسلامی با اکثریت آراء نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی، در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ به تصویب رسید و ملت ایران نیز در همه‌پرسی دوازدهم آذرماه همان سال، با ۹۹/۵ درصد آرا به آن قاطعانه رأی مثبت داد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دلایل گوناگون، از ویژگی‌های منحصر‌به‌فرد و برجسته‌ای برخوردار است: نخستین و مهم‌ترین آنها این است، که این قانون تجسم آرمان‌ها، عقاید و ارزش‌هایی است که مردم مسلمان ایران در پی تحقق آن بوده‌اند. تمامی محتوا و اصول این قانون که مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است، در فضایی برخاسته از شرایط خاص انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت و تدوین یافت و به همین دلیل هرگز نمی‌توان رابطه علمی و منطقی بین درک صحیح و



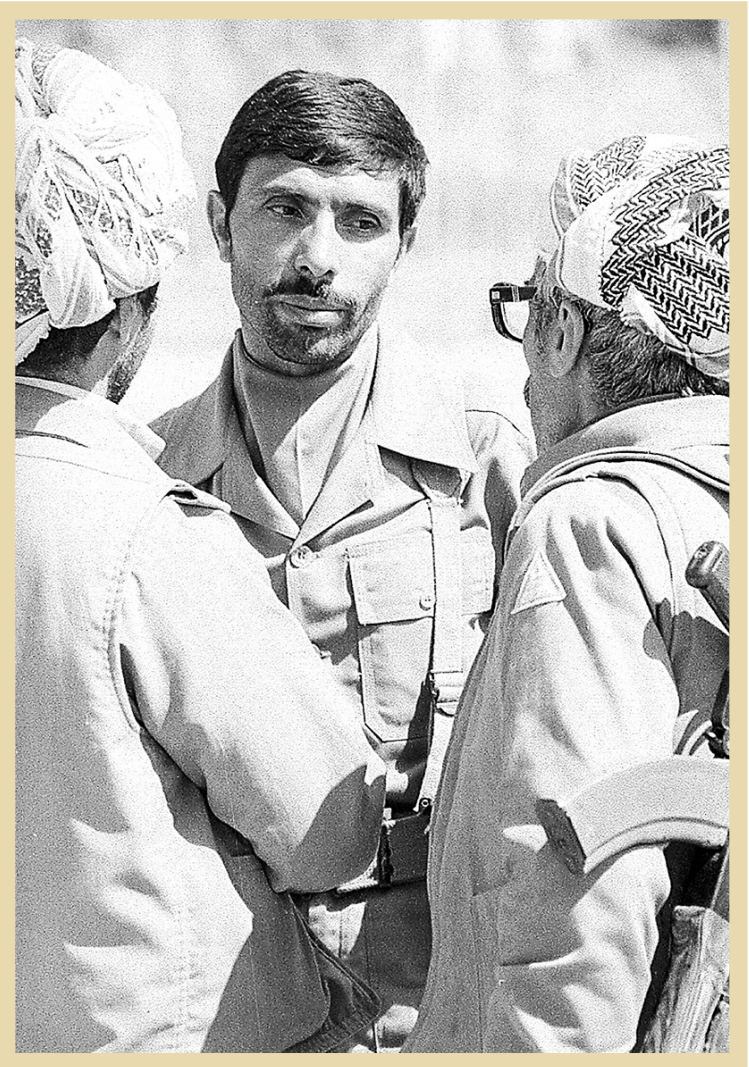
۱۳۵۸. آیت الله دکتر سیدمحمد بهشتی

در یکی از جلسات مجلس خبرگان قانون اساسی

توجه اصول آن را، با تاریخ سیاسی –مذهبی انقلاب اسلامی ناپذیرناگشت. مردم ایران ابتدا در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ۱۳۵۸، پس از سال‌ها مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی و کوتاه‌نمودن دست اجانب از ایران، به اسلامی‌بودن نظام و حکومت جدید در این کشور رأی مثبت دادند و سپس در همه‌پرسی بیست و چهارم آبان همان سال، از محتوای تمام قوانین اساسی این نظام که بر لزوم تطبیق تمامی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها با موازین اسلامی تأکید داشت، به‌عنوان اصل حاکم بر سایر اصول و مقررات نظام استقبال شایان توجهی نمودند. ویژگی دیگر آنکه محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی، ضمن برخورداری و به‌کارگیری صحیح عبارات و کلمات حقوقی جدید و به چالش کشاندن تازه‌ترین و پیشرفته‌ترین قوانین اساسی جهان مدرن، به تشخیص برجسته‌ترین عالمان و فقیهان اسلام از احکام الهی ریشه گرفته است. بدین ترتیب ادعای بزرگی نیست‌اگر بگوییم قانون اساسی ما یکی از مسلم‌ترین ایران ارزانی داشته است، هم‌اکنون این قانون پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب و پشت سر نهادن فراز و نشیب‌ها و تجارب ارزنده در اداره نظام و اجرای موفق سیاست‌های قضایی، اقتصادی و سیاسی، ارزش و توان علمی و دقت خود را اثبات نموده است. با این حال جایگاه واقعی آن، همچنان برای بسیاری نشناخته باقی مانده است. تاکنون به صورت پراکنده، تفسیرها و شرح‌هایی بر قانون اساسی به رشته تحریر درآمده است که در جای خود غالباً مفید و سودمندند –اما در این میان جای پژوهشی که به صورت جامع به شرح میانی دینی قانون اساسی بپردازد و تمام اصول و فصول قانون اساسی را دربر گرفته باشد، همچنان خالی است. پژوهش حاضر، ضمن بررسی اصول قانون اساسی، میانی دینی آن اصول را به صورت مجزا یا در چارچوبی مشخص شرح نموده است. . .»

عاریخ

تاریخ ۰۶۰۰۸۵۲۳



شهیدسپهبدعلی صیاد شیرازی در گفت‌وگو با دو نفر از رزمندگان کرد



بی تردید فرماندهی که در ارتش تحول می‌آفریند، باید از ذهنی خلاق و مدبریت‌گر برخوردار باشد. شهید صیاد شیرازی این امتیاز بزرگ را به تمامی داشت و هم از این روی مسیر تغییرات و پیروزی‌های شگرف را گشود. از سوسی دیگر وی تمامی ابعاد و جوانب فعالیت نیروی امر به او اشراف و احاطه‌ای ویژه بخشید و بسا بر توقیفاتش افزود

شهید سپهبد صیاد شیرازی، مردی که انقلاب را به ارتش آورد

خود را از قایق به داخل هور پرتاب کرد

تا ایستادگی را ادامه دهد!

هم پس از این جواب، فوراً تلگراف زد و او را بازنستسته کرد!ارتش ما تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور جدی در روندهای اجتماعی نداشت و از طرفی به دلیل سیاست‌های خاندان پهلوی، خیلی با مردم در ارتباط نبود. اما زمانی که ایشان سسکان نیروی زمینی را بر عهده گرفت، تلاش کرد از تمام پتانسیل‌های موجود در ارتش، برای دفاع از سرزمین استفاده کند و در این مسیر موفق هم شد. . .

■ **دستورات او بی‌هیچ مقاومت یا ترسی، با جان و دل اجرا می‌شد**

بی تردید فرماندهی که در ارتش تحول می‌آفریند، باید از ذهنی خلاق و مدیریت‌گر برخوردار باشد. شهید صیاد شیرازی این امتیاز بزرگ را به تمامی داشت و هم از این روی، راه تغییرات و پیروزی‌های شگرف را گشود. امیر سرتیپ نجاتعلی صادقی گوید، در ازبایی این مهم می‌گوید:

«یک فرمانده در سوارخار ارتش، به‌خصوص در نیروی زمینی، باید توانایی این را داشته باشد که دستورات نظامی و طرح‌های عملیاتی خود را، بر اساس یک اسلوب و قاعده خاص طراحی و صادر کند و از دانش مورد نیاز برای این کار برخوردار باشد. حتی باید صحبت‌هایش، بر مبنای یک ساختار و فرمول مشخصی باشند. در غیر این صورت، هرگز به‌عنوان یک فرمانده قابل احترام، در چشم و قلب نیروها جایگاهی نخواهد داشت. شهید صیاد شیرازی فرمانده‌ای بود که به نحو‌احسن از این ویژگی بهره‌مند بود. ما فرماندهانی باتجربه، باسابقه‌تر و مسن‌تر از ایشان داشتیم، ولی همگی آنها به اتفاق، فرماندهی شهید صیاد شیرازی در نیروی زمینی را با روح و قلبشان پذیرفته بودند و دستورات او را بدون هیچ نوع مقاومت یا ترسی، با جان و دل اجرا می‌کردند. تأثیر دانش نظامی ایشان را در عملیات‌هایی همچون: بیت‌المقدس، فتح‌المبین و طریق القدس، می‌توان به‌خوبی مشاهده کرد. شهید صیاد شیرازی هم خودش از دانش نظامی خوبی برخوردار بود و هم به‌عنوان یک نیروی مکتبی ار تشری، توانست نقش بزرگی در انتقال

این دانش به نیروهای سپاهی — که پس از انقلاب متشکل شدند — داشته باشد. برای هر عملیات و هر دستوری که صادر می‌کرد، فرمولی مختص زمان و موقعیت همان عملیات طراحی می‌کرد و اگر موقعیت به‌گونه‌ای بود که فرماندهی نظامی پاسنخگی شرایط نبود، به سراغ راهکارهای قرآنی و انگیزشی می‌رفت و بدین وسیله نیروها را برای نبرد علیه دشمن تجحیز و تشجیع می‌کرد. . .

■ **در روزهای سخت، در تمام صحنه‌ها حضور داشت**

حضور فرمانده در متن تلاش‌های لشگری که آن را هدایت می‌کند، از اهمیتیه به سزا برخوردار است. شهید صیاد شیرازی چنین رویکردی داشت و نزدیک تمامی ابعاد و جوانب فعالیت نیروی زمینی ارتش را رصد و لمس می‌کرد. این امر به او اشراف و احاطه‌ای ویژه بخشید و بسا بر توقیفاتش افزود. سرلشکر مصطفی جلالی، در این موضوع روایتی به فرار آمده دارد:

«به عنوان فرمانده نیروی زمینی و در روزهای سخت، در تمام صحنه‌ها حضور داشت و لحظه‌ای از حال و روز رزمندگان بی‌وضعیت جبهه‌ها غافل نبود. ایشان با ایجاد هماهنگی بین ارتش و سپاه، دشوارترین عملیات‌ها را پیش می‌برد. یادم هست که زیر آتش دشمن بودیم و هواپیمایهای عراق، دائمأ در منطقه پرواز می‌کردند. ایشان با نهایت درایت و شجاعت، امکانات هوانپرواز را بسیج کرد. در آن صحنه دیدنی بالگردها با یکدیگی سریع عبور می‌کردند، که بمباران نشوند و در همان حالی که روشن بودند، باید رزمنده‌ها را سوار می‌کردند! این ابتکار، خاصی ایشان بود و باعث شد عملیات والفجر ۲، با موفقیت اجرا شود. همین‌طور در عملیات والفجر ۳، از منطقه وسیعی از میروان شروع شد و تا بانه و منطقه الام بردشت رسید، آن شهید بزرگوار نقشی اساسی داشت. شهید صیاد شیرازی در بین مسئولان نظامی و فرماندهان لشکری و کشوری، موقعیت ممتازی داشت و وجودش نقطه قوتی بود. معمولاً برای انجام مأموریت‌ها، شرایط بهتری را برای همه فراهم می‌کرد. ترکیب ارتش



شهیدسپهبدعلی صیاد شیرازی در حال اعطای سردستبازن

و سپاه — که ایشان در ایجاد وحدت بین آنها نقش بی‌بدیلی داشت — موجب شد که منطقه غرب و شمالغرب کشور، از لوٹ وجود ضد انقلاب پاک شود و در دفاع مقدس هم به پیروزی‌های شگرفی نائل شویم. ایشان در دورمای که با دستور بنی‌صدر و برای مدتی از ارتش دور بود، باز همچنان احساس مسئولیت می‌کرد و در سپاه مشغول خدمت شد. او حتی در زمانی که مجروح هم بود و با عصا راه می‌رفت، باز در جبهه‌ها حضور پیدا می‌کرد و در هر وضعیتی که بود به انجام وظیفه و خدمت به کشور و مردم می‌اندیشید. این رفتارها در ذهن نظامیان آن دوره و حتی بدنه مردم، ثبت و ماندگار شده است. . .»

■ **او با ایجاد وحدت میان ارتش و سپاه، بسترساز پیروزی شد**

بی‌تردید فرمانده شهید نیروی زمینی ارتش، نقش مهمی در نزدیکی نهاد تحت‌مدیریتش با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داشت. او این همه را به دلیل توصیه قاطع رهبر کبیر انقلاب اسلامی و نیز تدبیر و آینده‌نگری خویش به انجام رساند. سردار محمدمنی رودکی، در شرح این رویداد اذعان می‌کند:

«شهید صیاد شیرازی بسیار قاطع، بر تلاش جدی بود و در تمام ساعات شبانه‌روز، بی‌آنکه لحظه‌ای از او برآند، من تقریباً در تمامی هشت سال دفاع مقدس، در کنار آن بزرگوار بودم و جز شجاعت و لیاقت از ایشان ندیدم. در عملیات بدر، موقعی که ناچار شدیم از ششرق دجله عقب‌نشینی کنیم، شهید صیاد شیرازی نهایت تلاشش را کرد که یگان‌های خدمات و پشتیبانی لازم را بسیج کند و بماند و مقاومت کند. نهایتاً وقتی فشار عراقی‌ها زیاد شد، موقع برگشتن به جزیره مجنون، ایشان خودش را از قایق به داخل هور پرت کرد، تا باز هم ایستادگی کند! خاطر م هست در مرحله سوم عملیات بیت‌المقدس، رزمندگان به من فشار می‌آوردند که برای آزادسازی خرمشهر برویم، چون در مرحله دوم تا ۱۳ کیلومتری آنجا رفته بودیم. من به منطقه فارسینان و فرارگاهی که شهید صیاد شیرازی و آقای محسن رضایی در سوله فرماندهی نستسته بودند، رفتم و ادای احترام کردم و گفتم: ما لشکر فجر آماده‌یم که چندین گردان را برای عملیات هر حله سه عملیات بیابیم و قادریم این کار را ۴۸ ساعته انجام بدهیم. ضمناً لشکر ۸۶ خودم را به فرماندهی سرهنگ بیراوند گم، حاضر است در مرحله سه عملیات شرکت کند. شهید صیاد شیرازی شنیدن این سخنان، فوق‌العاده خوشحال شد. به‌رحال ما ظرف ۴۸ ساعت، با بالگرد و ترابری زمینی خود را به منطقه بیت‌المقدس رساندیم و همراه با لشکرهای امام حسین(ع)، المهدی، نجف اشرف، ولی عصر، لشکر ۷۷ خراسان، لشکر ۱۶ قزوین و یگان‌های دیگر و در سایه وحدت ارتش و سپاه، هرچه از امکانات اداره، استفاده شخصی را اسیر کردیم! یک بار همراه با فرماندهان ارتش و سپاه، خدمت حضرت امام رسیدیم. ایشان دست شهید صیاد شیرازی و دست آقای محسن رضایی را گرفتند و در دست هم نهادند و فرمودند: شما زمانی پیروز خواهید بود که وحدت داشته باشید. شهید صیاد شیرازی، انصافاً برای وحدت ارتش و سپاه زحمات فراوانی کشید. پیروزی‌های عظیم ما در عملیات فتح‌المبین، بیت‌المقدس و طریق القدس، حاصل این اتحاد مبارک بود. ایشان پیش از آن برای مبارزه با ضد انقلاب هم، ارتش و سپاه را بسیج کرد. یکی از دلایلی که باعث شد بنی‌صدر ایشان را از ارتش اخراج کند، همین مسئله بود.

پس از فرار بنی‌صدر که حضرت امام شهید صیاد شیرازی را به فرماندهی نیروی زمینی منصوب کردند، ایشان باز هم در زمینه وحدت ارتش و سپاه، تلاش زیادی کرد و امکانات فراوانی را از ارتش، از خدمت سپاه قرار داد. نقش شهید صیاد شیرازی در عملیات‌های کر بلا ۴ و ۵ هم، بی‌نظیر بود. ارتش و سپاه، ۷۵ شبانه‌روز در صلحجه جنگیدند و کمر و هواپیمایهای عراق، دائمأ در منطقه پرواز می‌کردند. شهید صیاد شیرازی در این مدت، با کسب اجازه، وارد اتاقتشان شدم. داشتند نامهای را امضا می‌کردند. در همان حین بلند شدند و فرمودند: بفرمایید بنشینید، شما یک قیقه زود آمده‌اید! در این فاصله، این نامه را تمام می‌کنم. دقیقاً هم در عرض همان یک دقیقه، کارشان را انجام دادند و بعد بنده گزارش را خدمتشان ارائه کردم. نظم را واقعاً به معنای واقعی و با دقت تمام، در تمام ساعات‌ها و حتی دقیقه‌ها رعایت می‌کردند. نکته برجسته دیگر در منش کاری ایشان، توجه و محبتی بود که نسبت به همه کارکنان و خانواده‌های آنان داشتند. اگر خدای ناکرده فردی از خانواده همکاران فوت می‌شد، حتماً خودشان را مقید می‌دانستند که در مراسم آنها شرکت کنند. در اعیاد هم همین‌طور بود. بدون استثنا برای همه کارکنانشان، حتماً یک سری هدیه همراه با یک کیک دو کیلویی سفارش می‌دادند و برای خانواده‌هایشان می‌فرستادند. وقتی به مأموریت می‌رفتیم، بزیان مهم بود که افرادی که با ایشان همراه بوده‌اند، حتماً با همراه داشتن یک به سوغات به دیدار خانواده خود بروند. به همین علت در هر مأموریت کاری، عده‌ای موظف بودند که از طرف ایشان بروند و مقداری سوغاتی از شهیدان به آنجا مأموریت داشته‌یم، برای همه اعضای گروه تهیه کند. عورت هیچ فرد و از گانی را بدون پاسخ نمی‌گذاشتند. با توجه به مشغله فراوانی که داشتند، با حتماً سعی می‌کردند که در آن برنامه شرکت کنند، یا در غیر این صورت نامه کوتاهی می‌نوشتند و از اینکه نتوانست‌اند در مراسم مورد نظر شرکت کنند، عذر خواهی می‌کردند. . .»

۹ جوان

| روزنامه جوان | شماره ۲۰۰۱

خمینی و رزمندگان اسلام دعا می‌کرد. . .»

■ **عظمت شخصیت او، شناسا کردن بر خلاف جریان آب بود!**

و سرانجام شخصیت شهید سپهبد علی صیاد شیرازی به عنوان یک فرمانده موفق و نمادین در دوران دفاع مقدس، در خور تدوین و الگوپرداری است. دوستانش در این باره، بسیار گفته‌اند و گنجینه‌ای پراچ فراهم آورده‌اند. امیر سرتیپ رضا خرم‌طوسی که در زمره آنان به شمار می‌رود، از او وصفی اینچنین به تاریخ سپرده است:

«به نظر من عظمت شخصیت شهید صیاد شیرازی، شنا کردن بر خلاف جریان آب بود. البته در ارتش انسان‌های شریفی چون ایشان کم نبودند که به‌رغم تبلیغات و القانات گسترده رژیم گذشته برای بی‌دین کردن ارتشی‌ها، همچنان به احکام شرعی پایبند بودند. شهید علم و عمل را به هم گره زده بود. ایشان علاوه بر اینکه به زیور علم آراسته بود، از پیشکسوتان نیز به‌طور صحیح و به‌جا استفاده می‌کرد. شهید هرگز متخصصان جافته‌ار را رها نکرده و هنر خاصی در تعامل با بزرگان داشت. ایشان ضمن برقراری تعامل ارزنده با کارشناسان و صاحبان دانش، همواره فضایی پرشور و انگیزه ایجاد می‌کرد. استاد تسهیل‌امور دشوار بود. همیشه بیش از دیگران کار می‌کرد، اما اهل عیاشی نبود. برای مقابله با دشمن، هرگز منتظر حکم و تعارفات نبود. در عملیات مرصاد حکم نداشت، اما در صحنه بود و مجاهدت می‌کرد. اساساً او برای مقابله با منافقان و دشمنان انقلاب اسلامی، منتظر حکم نمی‌شد و فرصت عمل را از دست نمی‌داد. امثال ایشان، مردانگی را به ما آموختند. ایشان، مصداق بارز شرف و غیرت ایرانی بود. منادی وحدت بود و شعارش، همواره ارتشی و سپاهی، دو لشکر الهی بود. شهید صیاد شیرازی، انسان خاصی بود. خود من اگر ناچار شوم شب تا صبح نخوابم، اصلاً نمی‌توانم کلاس را اداره کنم، ولی ایشان چه در دوران جنگ تحمیلی و چه پس از آن، بارها و بارها می‌شد که تصحیح نمی‌خواهید و بعد هم با کارایی کامل تدریس می‌کرد!ایشان به دفاع مقدس خدمت بزرگی کرد و بسا اجازه حضرت آقا، هیئت معارف جنگ را پایه‌گذاری کرد. همه ما در جنگ خدمت داشتیم، ولی کمتر کسی این رویداد را با همه گستردگی اش می‌دید. همیشه طوری رفتار می‌کرد که گویی اصلاً در جایی کاری نکرده، در حالی که بسیاری از روندها و گروه‌ها را ایشان پایه‌گذاری کرد. بعد هم که با هماهنگی با حضرت آقا، شروع کرد به نوشتن عملیات‌ها. هوش و ذکاوت بالایی داشت و همچنین تخصص بالا طراحی و برنامه‌ریزی ایشان، زبانزد عام و خاص بود. شهید صیاد یک مجاهد به تمام معنا و انسانی باصلابت و نفوذناپذیر بود. گاهی صراحت آن بزرگوار، توی ذوق کسانی که ایشان نمی‌شناختند، می‌زد!آزدهای بی‌عدالتی را تاب نمی‌آورد و بلافاصله تذکر می‌داد. به هیچ وجه از امکانات اداره، استفاده شخصی نمی‌کرد. در این‌گونه امور و مخصوصاً مسائل مربوط به بیت‌الممل، مستختر و دقیق بود. یک رزمنده حق طلب به‌تمام معنا بود و با احدی رودربایستی نداشت. یکی از کارهای جالب شهید این بود که هر وقت می‌خواستند با ایشان مصاحبه کنند، اول دو رکعت نماز می‌خواند، بعد برای گفت‌وگو می‌آمد. همه حرف‌هایش هم بری خدا و به همین دلیل هم دلنشین بود. . .»

■ **نظمی که مریی همکاران بود**

دیگر همکاری که بخشی از خصال امیر شهید را به شرح نستسته، امیر سرتیپ احمد آرام است. او در بخشی از یادمان‌هایش، نکات ذیل را مورد اشاره قرار می‌دهد:

«هم‌تربین ویژگی شهید صیاد شیرازی، نظم ایشان بود. غیر از رعایت ترتیب و روال کارها به می‌خوبی آن زمان بنده، هیچ هم بسیار توجه داشتند و به مسئولان را مدیریت می‌کردند. با توجه به همین موضوع، اگر برای کاری به ما هم می‌گفتند فلان ساعت بیا، درست رأس همان ساعت خدمتشان می‌رسیدیم. یادم هست یک روز قرار بود که ساعت دو بعد از ظهر بروم و خدمتشان گزارش کار بدهم، به ساعت خودم تصور کردم که ساعت دقیقاً دو است. بنابراین در زدم و با کسب اجازه، وارد اتاقتشان شدم. داشتند نامهای را امضا می‌کردند. در همان حین بلند شدند و فرمودند: بفرمایید بنشینید، شما یک دقیقه زود آمده‌اید! در این فاصله، این نامه را تمام می‌کنم. دقیقاً هم در عرض همان یک دقیقه، کارشان را انجام دادند و بعد بنده گزارش را خدمتشان ارائه کردم. نظم را واقعاً به معنای واقعی و با دقت تمام، در تمام ساعات‌ها و حتی دقیقه‌ها رعایت می‌کردند. نکته برجسته دیگر در منش کاری ایشان، توجه و محبتی بود که نسبت به همه کارکنان و خانواده‌های آنان داشتند. اگر خدای ناکرده فردی از خانواده همکاران فوت می‌شد، حتماً خودشان را مقید می‌دانستند که در مراسم آنها شرکت کنند. در اعیاد هم همین‌طور بود. بدون استثنا برای همه کارکنانشان، حتماً یک سری هدیه همراه با یک کیک دو کیلویی سفارش می‌دادند و برای خانواده‌هایشان می‌فرستادند. وقتی به مأموریت می‌رفتیم، بزیان مهم بود که افرادی که با ایشان همراه بوده‌اند، حتماً با همراه داشتن یک به سوغات به دیدار خانواده خود بروند. به همین علت در هر مأموریت کاری، عده‌ای موظف بودند که از طرف ایشان بروند و مقداری سوغاتی از شهیدان به آنجا مأموریت داشته‌یم، برای همه اعضای گروه تهیه کند. عورت هیچ فرد و از گانی را بدون پاسخ نمی‌گذاشتند. با توجه به مشغله فراوانی که داشتند، با حتماً سعی می‌کردند که در آن برنامه شرکت کنند، یا در غیر این صورت نامه کوتاهی می‌نوشتند و از اینکه نتوانست‌اند در مراسم مورد نظر شرکت کنند، عذر خواهی می‌کردند. . .»